



Ketabton.com

بر مبنای سری کتاب های «تاملی بر بنیان تاریخ ایران» از

ناصر پورپیرار

درباره کلیسایی با نام جعلی امامزاده سید حمزه

پاییز 90

بازدید از بناهای منسوب به دوران گذشته و مروری بر دانستنی هایی که توسط مورخین ارائه می شود و با تاملی ژرف در چگونگی سازگاری این دانستنی ها و آثار موجود این احساس در محقق برانگیخته می شود که چگونه کسی تا کنون اعتراضی نسبت به این مسائل نداشته و چشم خود را بر حقایقی که صدای فریاد دروغ آن ها گوش را آزار می دهد فرو بسته است . شدت و عمق رسوب جعل و دروغ در کوچکترین اجزای تاریخی منطقه به حدی است که جدا شدن از این اباطیل و پیوستن به حقیقت و روشنایی بسیار سخت می نمایاند . محققین این زمینه در وادی بسیار خطرناکی در حال قدم زدن هستند ولی نوری بسیار قدرتمند امید به فردا را در دلمان روشن می کند و حرکت در این راه برایمان سهل می شود . شاید این وظیفه ای است که دارندگان چشم های تیزبین ، یعنی آنهایی که به سادگی از کنار هر موضوعی نمی گذرند عهده دار هستند . ما اکنون شاهد یک جنگ بسیار تمام عیار ولی بی صدا از طرف کنیسه و کلیسا هستیم ، جنگی که کوچکترین آثار آن در استادیوم های ورزشی با شعارهای نژاد پرستانه توخالی از طرف هر یک از ملل ساکن در ایران خود را نشان می دهد . آیا این شعارهای نژاد پرستانه حاصل یک پیشینه تاریخی بین این ملل می باشد ؟ جواب منفی است . هیچ کدام از ما متهم یا شاکی نسبت به دیگری نیستیم . تمامی این برخوردهای نا مناسب بین ملل ایران حاصل تبلیغات و تلاش های توقف ناپذیر ولی بی صدا از طرف شبکه های زیر زمینی کنیسه و کلیسا صورت می گیرد . به یاری خداوند منان فرصتی پیش آمد تا پرده ای دیگر از جعل دیگری کنار زنیم و متهمان اصلی این زد و خورد های نا صواب را با سند دیگری معرفی کنیم . در این باب نیز بی آبرویی دیگری برای کلیسا وجود دارد . شاید طرف اصلی این یادداشت ارمنه ایران مخصوصا ارمنه ساکن آذربایجان باشند . که اکنون ادعا می کنند آثار تمدنیشان توسط مردم مظلوم آذربایجان در حال از بین رفتن است . سعی بر آن داریم چهره جدیدی از ارمنه را نمایان کنیم . نشان می دهیم که از بین بردن قبرستان های و تغییر کاربری کلیساهای قدیمی ارمنه در آذربایجان نه از طرف مسلمانان بلکه از طرف کلیسا برای ایجاد یک لایه مخفی و زندگی با نقاب مسلمانی و ایجاد تفرقه می باشد . ما در یادداشت قبلی با نام " سنگ ها فریاد می زنند " نشان دادیم که به دلیل وجود قبرستان های زیاد که ماهیت یهودی و ارمنی در ایران داشته اند جمعیت قابل توجهی از یهودیان و ارمنه در این کشور ساکن بوده اند و مطمئنا برای مناسک خود کنیسه ها و کلیساهایی را ساخته اند . حال زمانی که یهودیان و مسیحیان با شتابزدگی تصمیم به از بین بردن قبرستان های خود زده اند پس " چه بلایی بر سر کنیسه ها و کلیسا های خود آورده اند ؟ " در این یادداشت مختصر زیر چند نمونه از اسناد تصویری بنای تغییر کاربری یافته ای معرفی می کنیم باشد که خفتگان را بیدار کند .

با امید به فردای بهتر

به دلیل نبود رفرنس مرتبط با موضوع طرح شده مجبوریم به اطلاعاتی رجوع کنیم که سازمان میراث فرهنگی با روش ها و زبان های گوناگون از جانب افراد یا نهاد های مختلف ارائه می دهد . سپس به منطق خود رجوع می کنیم تا این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم . باید تناسبی بین گفتار و آثار مادی موجود وجود داشته باشد .

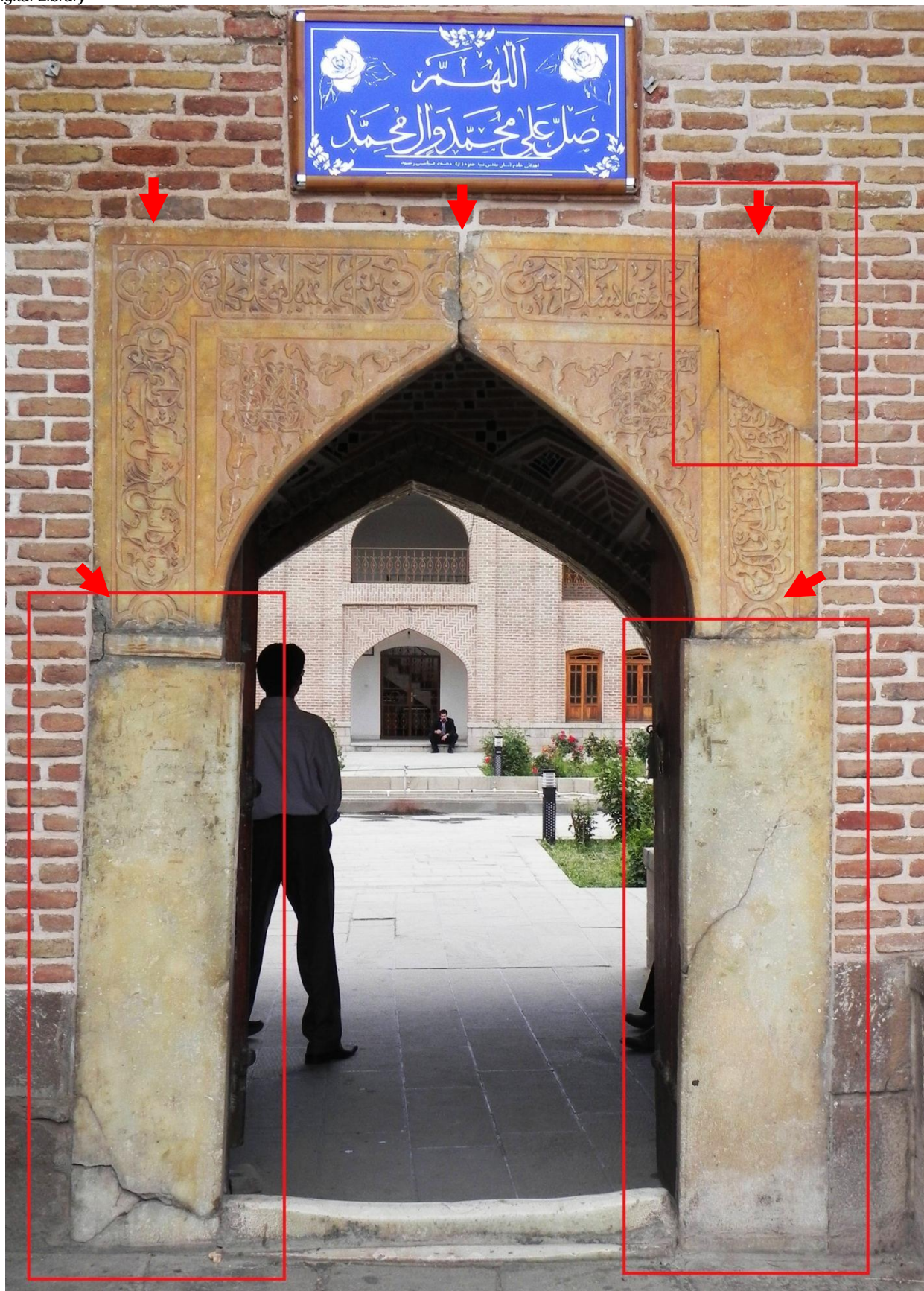
« امامزاده سید حمزه در محله سرخاب تبریز، در محل تقاطع خیابان ثقة الاسلام و بازارچه سید حمزه قرار دارد که در گذشته از شکوه و عظمت زیادی برخوردار بوده است . **صاحب کتاب "روضات الجنان و جنات الجنان" شکوه و زیبایی و بلندی بنا را تعریف کرده و گنبد و عمارت مقبره را از کمال ارتفاع با آفتاب برابر ستوده است .** سید حمزه ، که در دربار غازان خان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده در سال 714 هـ . ق به دست مغولان کشته شد و **در بنایی که میرزا ابوطالب وزیر آذربایجان در همان سال بر آرامگاه وی احداث کرده به خاک سپرده شد .** آنچه امروز از بقعه سیدحمزه باقی مانده ، صحن نسبتاً وسیعی است که در سمت جنوب آن ، مقبره قرار گرفته و در سمت شرق و شمال آن ، **حجرات و مدرسه‌هایی است که از ده‌ها سال پیش متروک مانده و به امانتگاه اموات تبدیل شده و در تعمیرات سال‌های 1333 – 1334 هـ . ش که از محل اوقاف ظهیریه به عمل آمده دوباره به حجره و اقامتگاه طلاب علوم دینی تغییر صورت داده است . این بقعه گنبد بلندی دارد .** طاق زیرین گنبد آئینه کاری شده و بر دور آن کتیبه‌هایی که مشتمل بر تاریخ می‌باشد نوشته‌اند . اصل بقعه ، مقبره کوچکی است که تقریباً چهار ذرع طول و سه ذرع عرض دارد . حجره جداگانه‌ای در سمت غربی آن بوده که بین مقبره و آن حجره دیواری فاصله بوده است . **ضمناً قبر میرزا محمدابراهیم وزیر، در دهلیز سرداب واقع است و اسم آن مرحوم در دوسوی دری که به گنبد داخل می‌شود ، نوشته شده است .** در ترکیب فعلی بنا ، نمونه‌هایی از حجاری و کاشیکاری پیشین به چشم می‌خورد که از نمونه‌های بسیار جالب حجاری آن طاق مرمرین صحن سردر مدرسه است که از چهار قطعه مرمر بزرگ تشکیل یافته است . پایه‌های طاق از سنگ مرمر ساده‌ای هستند که به جای نمونه‌های اصلی گذاشته شده‌اند . در پیشانی این طاق از دو سو به طور متقابل به خط ثلث عالی آیه شریفه "ادخلوها بسلام آمنین" و در زیر هر یک از آنها در میان ترنج عبارت "یامفتح‌الابواب" به طور برجسته کنده شده است . در نوک ترنج‌ها ، یک ختایی کوچک و در اطراف آنها اسلیمی‌هایی نقر شده است . در کرانه‌های طاق در جانب شرقی و غربی خطوط نستعلیق حک گردیده که با یک رشته اسلیمی زیبا تزئین یافته است . عرض این طاق 183 و بلندی قسمت اصلی آن 120 سانتی متر است . بالای طاق سردر نیز ، سنگ نوشته مرمرینی نصب شده که مربوط به زمان ناصرالدین شاه قاجار است و حکایت از تعمیر این بقعه به سال 1279 هـ . ق دارد . به طاق مرمرین در ورودی بقعه که نمای شمالی آن یکی از شاهکارهای حجاری دوره صفویه به شمار می‌رود نوشته‌هایی باتزئین اسلیمی و ختایی و گیاهی دیده می‌شود . در قسمت پایین هر یک از پایه‌های طاق ، یک ترنج قندیلی گلدار تعبیه گردیده که در داخل ترنج سمت راست ، عبارت "میرزا محمدابراهیم وزیر آذربایجان" به طور برجسته حجاری شده است و نشان می‌دهد که جسد میرزا ابراهیم در آستانه بقعه به خاک سپرده شده است . علاوه بر این ها ، آئینه بندی طاق بالای صندوق نیز دارای ارزش هنری است . هر چند که در وسط بنا صندوقی نهاده شده اما خود قبر همچون دیگر مقابر دوره ایلخانی ، در سرداب زیرین بنا قرار دارد . در جانب غربی صحن بقعه سید حمزه مسجد عالی و با شکوه ظهیریه قرار گرفته است که مسجدی است مستطیل شکل بدون ستون به ابعاد 20*8 متر دارای یک گنبد بزرگ به قطر هشت متر در وسط و در طاق و دو گنبد کوچکتر در سمت شمال و جنوب و یک مزارچه به ابعاد 8*4 متر در جانب غربی و در شاه نشین 4*1 متر و یک شاه نشین 8*1 متر در جانب شرق . در چهار سوی گنبد بزرگ چهار منفذ کوچک جهت روشنایی و تهویه مسجد تعبیه شده است . دو در کوچک نیز از جانب غربی به طور قرینه به دو مخزن کوچک بازمی‌شود . دور تا دور مسجد از اهر مرمری خوش رنگی به بلندی 105 سانتی متر دارد که در قسمت فوقانی آنها آیاتی با خط ثلث بسیار زیبا به طور برجسته نقر شده است . طاقهای مرمرین محراب در ورودی روبروی محراب و دو مخزن کوچک که در بالا از آنها نام برده شد همه مزین به نقش ترنج ختائی ، اسلیمی و آیات قرآنی است . این مسجد بیشتر به مسجد "سید حمزه" در بین مردم معروفیت دارد . سابقاً "قرلی مسجد" می‌گفتند و شاید علتش مذهب بودن تمام تزئینات و کتیبه‌های طاق‌ها ، ازاره‌ها و رواق‌ها بوده است . بانی این مسجد و اضافات آن از قبیل دارالشفاء و شبستان و

مدرس ، ظهیرالدین میرزا محمدابراهیم پسر صدرالدین محمد ، وزیر آذربایجان بوده که بقعه و مدرسه سید حمزه را تعمیر کرده و مسجد مورد بحث و متعلقات و منضمات آنرا به سال 1087 ه . ق احداث و موقوفات زیادی برای حفاظت و نگهداری و اداره امور مربوط بدان معین کرده است . این موقوفات به نام ظهیریه معروفند . قرار گرفتن بقعه امامزاده سید حمزه بن موسی بن جعفر (ع) در کنار مقبره الشعرا قداست و معنویت خاصی به این مکان تاریخی و فرهنگی بخشیده است . نمونه های حجاری ظریف باقی مانده از این بقعه نشان دهنده عظمت بنای اولیه است که نزد مردم تبریز از اعتبار و ارزش والایی برخوردار بوده و اعتقاد به عزت و برکت آن باعث شده است که تنی چند از عارفان و بزرگان بنا به وصیتشان در جوار آن دفن شوند . **این مکان هم اکنون با اندکی بازسازی به زیارتگاه و معبد پر رفت و آمدی تبدیل شده است** که زائران از نقاط مختلف استان و نقاط مختلف کشور به زیارت این سید جلیل القدر مشرف می شوند . بنای نخست این بقعه به روایت سنگ مرمر بالای سر در صحن در سال 714 هجری قمری احداث شده و صاحب مقبره که سید جلیل القدر به نام ابوالحسن حمزه بن حسن بن محمد می باشد با 16 واسطه نسبتش به امام موسی بن جعفر (ع) می رسد . **بقعه این امامزاده بعد از سال ها ، در سال 1382 با تخصیص اعتباری معادل 681 میلیون ریال از محل اعتبارات استانی توسط سازمان میراث فرهنگی استان بازسازی و مرمت شد و با آیینه کاری داخل بقعه توسط سازمان اوقاف و امور خیریه استان اندکی احیا گردید اما هم اینک نمای خارجی این مکان به قدری آشفته و ناهمگون است که از دور برای هر رهگذری مشخص نیست ، اما با این وجود داخل صحن همه روزه مملو از زائران است .** « (سایت اینترنتی شهرداری تبریز)

« ... چون حضرت به تبریز تشریف آوردند از تقرب و احترام خاص برخوردار بودند و پیوسته در سفر حضرت همراه غازان خان بودند و شاه مغول از محضر ایشان بهره های فراوانی می جستند تا اینکه پس از مرگ سلطان محمود غازان حضرت سمت وزارت و دفترداری محمد خدابنده (الجایتو) را عهده دار بودند و در **واقعه تاریخی وزیر سعد الدین ساوجی یکی از چشمان مبارک حضرت را نابینا می کند** . حضرت بعد از مدتی از سمت وزارت کناره گیری کرده و به زهد و ورع و ارشاد مردم می پردازد . ولی با وجود دوری جستن از مشاغل دولتی باز مورد توجه و اعزاز و اکرام سلطان بودند تا اینکه در سال 714 ه . ق شبی که از پیشگاه سلطان محمد خدابنده عازم منزل مبارک بودند بر اثر تیری که از یک کمان عربی ناشناس رها شده بود مجروح و به زخم همان تیر به خاک افتاده و به سرای باقی شتافتند . و فرزند ایشان سید حسین ایشان را در قبرستان سرخاب به خاک سپرده و بقعه ای برای تربت پاکش بنا نهادند . » (ذکر حال امامزاده سید حمزه در سر مزار)

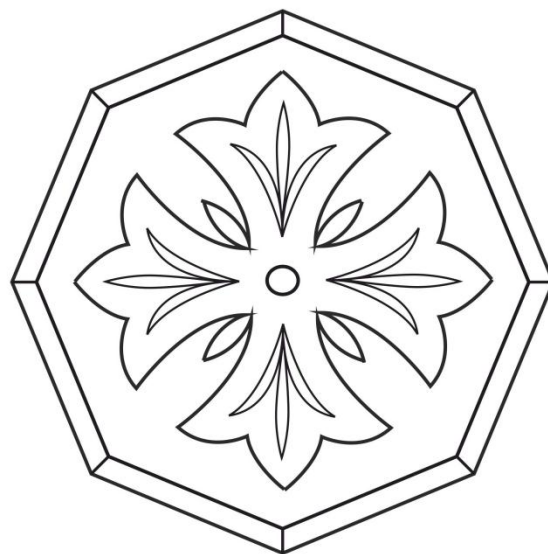
« **بقعه سید حمزه یا "ساری گل آقاسی" (به ترکی آذربایجانی یعنی "آقای گل زرد") به گفته برخی مقبره حضرت سید حمزه بن موسی الکاظم است که به صورت گنبد مدور کوچکی در ضلع غربی بقعه سیدامین الدین جبرائیل در روستای کلخوران بنا شده است .** آنگونه که در کتاب مرآةالبلدان عنوان شده قبر سید حمزه بن موسی الکاظم در شهر ری واقع در حرم حضرت عبدالعظیم می باشد . ولی به روایت بعضی از کتب تاریخی از جمله کتاب بحرالانسبابین عتیبه قبر حمزه فرزند امام موسی کاظم در روستای کلخوران است . دلیل اشتباه سید حمزه علیه السلام به "ساری گل آقاسی" این است که گویا در یکی از شورش های داخلی ، زنی از ترس به درخت گل زردی که در پای دیوار مقبره سید حمزه بوده پناه می برد و از این حادثه به طرز معجزه آسایی نجات می یابد و بدان جهت حضرت سید حمزه بدان نام مشهور شده است . » (سایت اینترنتی دانشنامه ویکی پدیا)

به عکس های زیر که مربوط به وضعیت کنونی درب ورودی این بنا است با دقت نگاه کنید :



این همان حجاری اطراف درب ورودی بنا می باشد و چون آثاری لو دهنده داشته تصمیم کلیسا بر این شده تا با تکه سنگ های جدیدی این آثار تعویض شود ولی این کار به دلیل سرعت بالا در اجرا با ناشیگری همراه بوده چون تکه سنگ سمت چپ کوچک ساخته شده بنابراین از یک سنگ دیگر به عنوان وصله استفاده شده است و رنگ تکه های بالایی تیره تر از وصله های

جدید می باشد . جالب این است که حجاری را در سنگ های جدید ادامه ندارد . شاید ترتیب دهندگان این فکاهی هنر چنین کاری را نداشته اند یا سرعت کار مهمتر بوده است . وجود حجاری شکل صلیب در قسمت هایی از این تکه سنگ ها در نوع خود بی نظیر است ، به طوری که صلیب موجود در حجاری سمت راست قسمت فوقانی با یک تکه سنگ جدید دیگری تعویض شده است که سطح روی آن صاف می باشد .

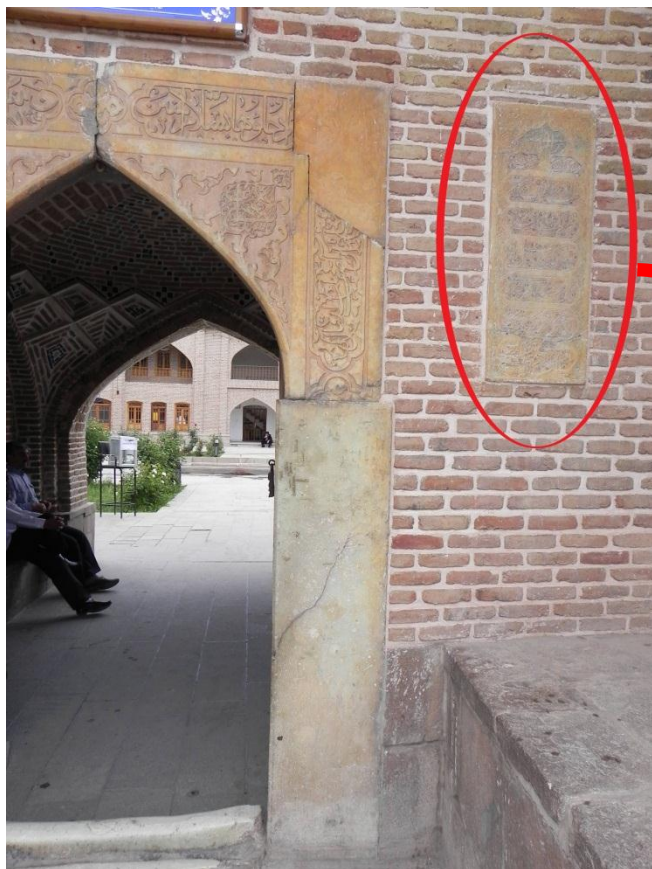


عکس سمت چپ در تصاویر بالا مربوط به صلیب حجاری شده در طاق سنگی درب ورودی و عکس سمت راست مربوط به یک طرح هنری از یک صلیب می باشد . آیا تفاوتی بین این دو از لحاظ منشا وجود دارد ؟ تغییراتی که در تزیینات نمای بیرونی بنا ایجاد کرده اند جالب تر از این است .



شکل صلیب در تزیینان قسمت ورودی نیز وجود دارد . نکته جالب دیگر تابلوی پلاستیکی است که از نوع بنرهای کنونی با قاب چوبی می باشد که در سر در ورودی نصب شده و نام امامزاده بر روی آن نقش بسته است ! .

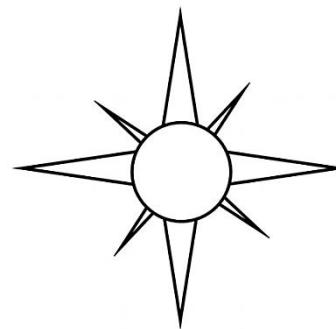
در سمت راست درب ورود کتیبه ای نصب شده که منتسب به ناصرالدین شاه قاجار است . گویا ناصرالدین شاه در زمان خود دستور داده تا این بنا مرمت و بازسازی گردد . اگر به عکس های پایین توجه کنید نیازی به توضیح نیست و قضیه این کتیبه شبیه کتیبه های تخت جمشید می باشد که به تازگی با گچ و آهک به جرز دیوار ورودی چسبانده اند . اگر به عکس اولی در پایین نگاه کنید و با دو عکس دیگر که وضعیت کنونی را نمایش می دهد مقایسه کنید نیازی به توضیح بیشتر نیست .



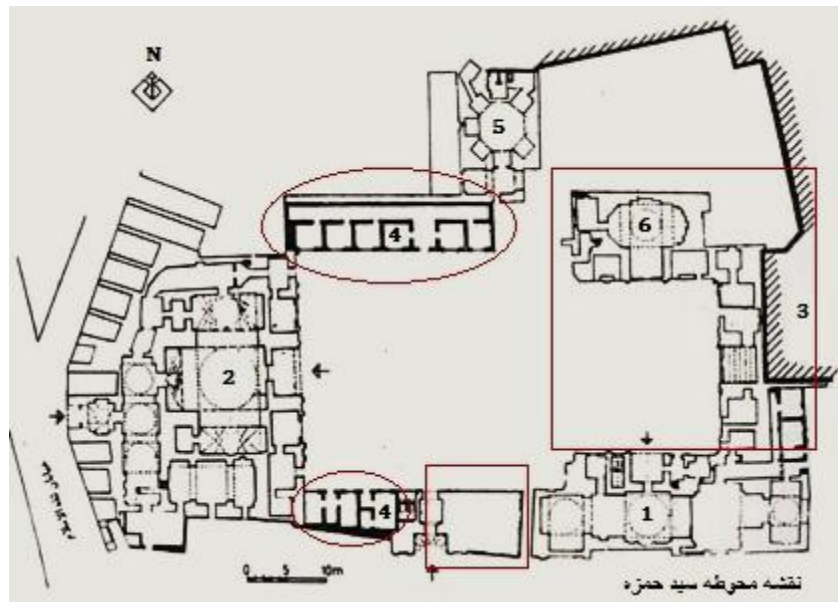
در مورد دو گنبد کوچک و بزرگ نیر آشفته‌گی زیادی می بینیم به طوری که سازندگان اولیه به کاشیکاری مختصری بسنده کرده اند . ولی اکنون این کاشیکاری برای گروه بازسازی جالب به نظر نمی رسیده همان گونه که در متن بالا آوردیم چون بنا از خارج محوطه زیاد جلب توجه نمی کرده تصمیم گرفته اند کاشیکاری قبلی را تخریب کرده و طرح جدیدی را اجرا کنند ! ولی برای اینکه این پروژه زیاد لو نرود از پوششی مقابل آن استفاده کرده اند و مانند کاشیکاری مساجد اصفهان بعد ادعا می کنند که این کاشیکاری مربوط به دوره صفویه یا مغول ها بوده است ! .



در قسمت فوقانی تک مناره این بنا قطعه ای وجود داشت که شکل تقریبی آن شبیه تصویر زیر بود که در بازسازی بعدی این قطعه که احتمالاً از جنس برنز بوده (مردم منطقه مدعی بودند که این شی از جنس طلا بود .) از این مناره حذف گردید . متأسفانه در تنها عکسی که پیدا کردیم این سنبل به وضوح قابل رویت نیست . حذف این سنبل واکنش منفی از طرف مردم این منطقه را به همراه داشت . شاید دلیل نام گذاری مسجد مجاور این بنا که به "قیزیلی مجید" (مسجدی دارای طلا) معروف گشته وجود این شی در مناره باشد . شاید واقعا این سنبل از جنس طلا بوده است . موضوع در سر طلا یا برنز بودن این سنبل نیست موضوع ماهیت این سنبل می باشد که بیشتر به یک صلیب شباهت دارد و در گنبد و یا بالای ناقوس هر کلیسایی دیده می شود . وجود شکل صلیب در آجر کاری قسمت فوقانی مناره نیز مشهود است . برای ساخت این مناره از دو رنگ آجر بهره گرفته شده ولی اکنون به دلیل آلودگی شهری و سیاه و کدر شدن سطح آجرها این مسئله زیاد قابل تشخیص نیست . برای ایجاد شکل صلیب در قسمت فوقانی این مناره از آجر با رنگ قرمز استفاده شده است . حتی بعدها سقف گنبدی شکل قدیمی مناره را که در اثر فرسایش حاصل از طبیعت به رنگ سیاه در آمده بود ، با سقف جدیدی تعویض شد . شاید از این مناره به عنوان ناقوس بهره می گرفتند ! عکس های زیر مربوط به وضعیت قبلی و کنونی قسمت فوقانی مناره می باشد .



در بازسازی این محوطه موضوع دیگری که آشفتگی ذهنی هیئت بازسازی را نشان می دهد ساخت و سازهای مرموز و سپس تخریب این اضافات و ساخت و سازهای دوباره و جدید می باشد . در ابتدای مقاله خواندید که قبر مبارک این امامزاده در سردابه پایینی بنا واقع شده و ضریح کنونی در ارتفاع معینی بر بالای این سردابه واقع شده است . همچنین خواندید که در ساختمان اولیه حجره هایی وجود داشته که طلاب علوم دینی بعد از آن استفاده می کردند ولی اگر به پلان این بنا توجه داشته باشید و با عکس های موجود قدیمی و کنونی مقایسه کنیم می فهمیم که اضافات کنونی باعث تولید این توهمات شده است . در عکس بالایی نیز قسمتی را می بینید که بارها تخریب و دوباره با طرح دیگری بازسازی شد تا بتوانند در زیر آن یک سردابه ایجاد کنند . عکس زیر چیدمان بناهای موجود در محوطه سید حمزه را نشان می دهد : 1- مقبره سید حمزه ، 2- مسجد سید حمزه (قیزیلی مجید)، 3- مقبره شهریار، 4- مدرسه علوم دینی ، 5- حمام ، 7- اقامتگاه طلاب علوم دینی



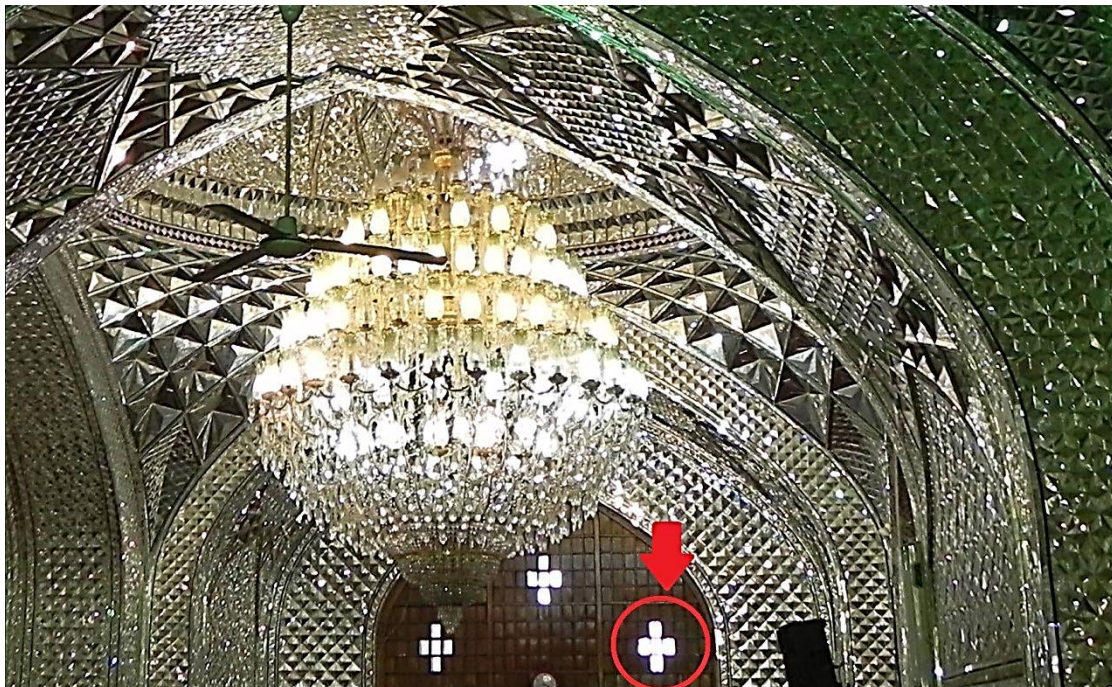
قسمت هایی که در داخل کادر مشخص شده است در همین چند سال اخیر ساخته شد . به عکس هایی که مربوط به این قسمت ها می باشد توجه کنید .



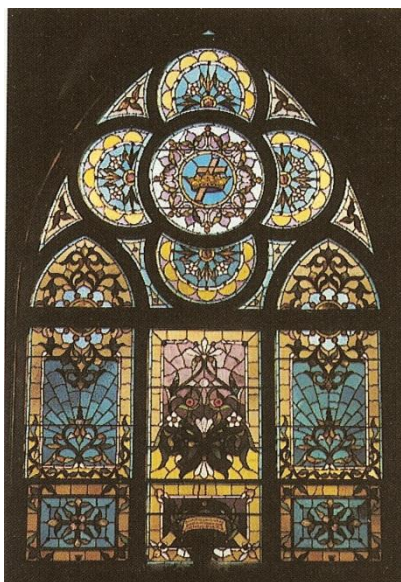
همانطور که می بینید در بخش هایی پیشرفت کار در حد آماده سازی ابتدایی پی ساختمان می باشد و کل قسمت ها با مصالح جدید ساختمانی که میل گرد و بتن نیز در ساختن آنها استفاده شده دیده می شود .



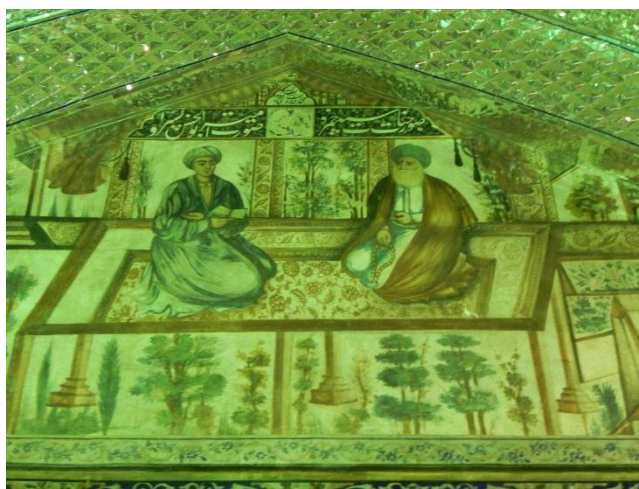
در عکس بالا می بینید که یک سنگ سردر را که معلوم نیست از کجا کنده شده ، در قسمت تازه ساخت قرار گرفته است تا آن قسمت نوساز قدمت زیادی پیدا کند .



این هم پنجره کلیسایی ، که در قسمت داخلی حرم به چشم می خورد و برای آن هیچ توضیحی نمی توان داد و در تمامی این کلیسا ها می توانیم چنین پنجره هایی را با سنبل صلیب را ببینیم . به عکس های زیر که مربوط به چند کلیسا می باشد بنگرید و با عکس بالا که به مربوط دخل حرم می باشد مقایسه کنید .



یکی از مشخصه های معماری کلیسایی وجود نقاشی در دیوارهای اماکن مذهبی می باشد . فکر می کنم در تنها بنای مذهبی منتسب به مسلمانان می توان آثاری را یافت که در دیوارهای آن تصاویر نقاشی شده را دید ، که بعد از مسجد ایاصوفیه استانبول ترکیه (کلیسای ایاصوفیه) ، می توان مجموعه منتسب به سید حمزه تبریز اشاره کرد . جالب این جاست که تصاویر نقاشی شده دقیقا در بالای محراب و حتی خود محراب قرار گرفته اند . چگونه می توان در جلوی چنین محرابی بر خلاف اصول دینی ، که خواندن نماز در مقابل تصویر نادرست معرفی شده ، تصمیم به خواندن نماز گرفت ؟



همانطور که خواندید گویا قبر مبارک این امامزاده در سردابه ای چند متر پایین تر از کف کنونی قرار گرفته است . در ساخت و ساز های جدید گروه بازسازی برای پوشش این مطلب بی کار نشست و با بهانه مستحکم نمودن پی این بنا شروع به گود برداری در قسمت بیرونی محوطه یعنی حیاط پارک مقبرة الشعرا نمودند . سپس شبیه همان تکنولوژی پی های دو پوشه پاسارگاد ، به یک باره از دل زمین سردابه ای را بیرون کشیدند که تا کنون بشر به چشم خود ندیده بود ! . اگر به عکس های پایین دقت کنید قضیه بسیار گویا است و نیازی به توضیح نمی بینیم .



آیا با وجود این همه دلایل مادی از این بنا باز می توان اعتقاد بر این داشت که مسلمان سازنده ابنیه این چنینی باشند و هیچ شناختی با اصول معماری اسلامی نداشته و در همه جای بنا از سیستم های کلیسایی سود برده باشند؟ می توان بنا به آنچه ارائه شد به این نتیجه رسید که بنای فوق نه یک امامزاده بلکه حلقه ای از سر حلقه های فتنه و جعل در این منطقه می باشد و سازندگان چنین رسوایی ، سیاه رویان همیشگی و ابدی یعنی مسیحیان ارمنی ساکن این خطه می باشند . که چندی است ادعا می کنند که آثارشان توسط مردم مسلمان مظلوم آذربایجان در حال نابودی است . به حول و قوه الهی از جعلیات زیادی که توسط شعوبیه جدید در حال تولید است در آینده نزدیک پرده بر می داریم .

Aydın Təbrizli



منابع :

- 1- سری کتاب های تاملی بر بنیان تاریخ ایران - ناصر پورپیرار - انتشارات کارنگ
- 2- سایت اینترنتی شهرداری تبریز
- 3- ذکر حال امامزاده سید حمزه در سر مزار - بروشور سازمان میراث فرهنگی
- 4- سایت اینترنتی دانشنامه ویکی پدیا
- 5- عکس های آزاد

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**